مقاله پژوهشی

تاثیر زبان فارسی بر پیوندبندی بندها زبان ترکی زنجانی در مقایسه با ترکی آذربایجانی معیار

دانیال آدرنگ، محمدرضا اروجی*، هومن بیژنی

گروه آموزش زبان و زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

سال نوزدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۸، صص ۲۴۰-۲۱۹

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2027.19.8413

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف :پیوندبندی بندها یکی از بنیادیترین حوزه‌های سازمان‌دهی نحوی در زبانهای ترکی است که به طور سنتی بر سازوکارهای صرف‌محور مانند صفت‌فعل، قیدفعل، و اسم‌مصدرسازی استوار است. با این حال، در گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی، از جمله گویش زنجانی، به دلیل تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی، گرایش فزاینده‌ای به ساختهای تحلیلی مبتنی بر حروف ربط و ادات متمم‌ساز مشاهده میشود. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی راهبردهای پیوندبندی بندها در گویشهای زنجانی و باکویی و تبیین نقش تماس زبانی در تحول نحوی گویش زنجانی انجام شده است.

روش‌ها :این پژوهش با رویکردی کیفی و تطبیقی، بر پایه چارچوب گونه‌شناسی کارکردی، نظریه تماس زبانی، و نظریه دستوری‌شدگی انجام شد. داده‌ها از سه منبع گردآوری شدند: (۱) پیکره گفتاری طبیعی (حدود ۴۰ ساعت) از ۱۲ گویشور بومی زنجانی، (۲) شهود زبانی پژوهشگر به‌عنوان گویشور بومی، و (۳) منابع توصیفی زبان‌شناختی. تحلیل بر چهار نوع بند موصولی، متممی، سببی، و شرطی متمرکز بود. لازم به ذکر است که داده‌های باکویی از منابع توصیفی مکتوب استخراج شده‌اند و با پیکره گفتاری زنجانی هم‌سنج نیستند؛ بنابراین مقایسه کمی میان دو گویش در این پژوهش انجام نشد و تحلیل بر مقایسه کیفی راهبردها متمرکز است.

یافته‌ها :نتایج نشان داد که گویش باکویی همچنان از ساختهای سنتی ترکی، از جمله صفت‌فعل‌ها، اسم‌مصدرسازی، و وندهای صرفی برای بیان وابستگی نحوی استفاده میکند. در مقابل، گویش زنجانی در نمونه‌های بررسی‌شده به‌طور قابل‌توجهی از ادات متمم‌ساز ki و حروف ربطی مانند čunki و agar بهره میگیرد. این گرایش به‌ویژه در بندهای موصولی، متممی، سببی، و شرطی آشکار است و بیانگر حرکت تدریجی از راهبردهای ترکیبی (صرف‌محور) به راهبردهای تحلیلی است. همچنین، ادات ki در گویش زنجانی کارکرد چندگانه یافته و در بندهای موصولی، متممی، و نتیجه‌ای به کار میرود که میتواند نشانه‌ای از گسترش کارکردی آن در شرایط تماس زبانی تلقی شود؛ هرچند اثبات قطعی دستوری‌شدگی نیازمند مطالعه تاریخی-تطبیقی گسترده‌تر است.

نتیجه‌گیری :یافته‌ها نشان میدهد که گویش زنجانی در شرایط تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی، گرایشی هم‌سو با الگوهای تحلیلی فارسی پیدا کرده است؛ هرچند اثبات رابطه علی قطعی نیازمند مطالعات تاریخی-تطبیقی گسترده‌تر است. این گویش نه به طور کامل از الگوهای سنتی ترکی دست کشیده و نه به طور کامل الگوهای فارسی را پذیرفته، بلکه در نمونه‌های بررسی‌شده، هم‌زیستی هر دو راهبرد سنتی و تحلیلی دیده میشود. یافته‌ها بر نقش تعیین‌کننده تماس زبانی در تغییرات نحوی و اهمیت مطالعه گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی در پژوهش‌های گونه‌شناختی و تماس زبانی تأکید میکند.

تاریخ دریافت: ۳۰ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۰۱ مرداد ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۱۶ مرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:
ترکی آذربایجانی؛ پیوندبندی بند؛ تماس زبانی؛ .زبانشناسی تطبیقی؛ گونه‌شناسی کارکردی.

* نویسنده مسئول:
mohammadreza.oroji@iau.ac.ir
(+۹۸ ۲۱)

Nintenth year, Number Ten, Junuary 2027, Continuous Number 128, Pages: 219-240

Journal of the stylistic of Persian poem and prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: https://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The influence of Persian on clause linking in Zanjani Turkish compared to standard Azerbaijani Turkish

D. Adarang, M.R. Oroji*, H. Bijani
Department of Language Education and Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 20 June 2026
Reviewed: 23 July 2026
Revised: 07 August 2026
Accepted: 22 September 2026

KEYWORDS
Azerbaijani Turkish; clause linking; language contact; comparative linguistics; functional typology.

*Corresponding Author
✉ *mohammadreza.oroji@iau.ac.ir*
☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Clause linking is one of the most fundamental domains of syntactic organization in Turkic languages, traditionally relying on morphologically-based mechanisms such as participles, converbs, and nominalization. However, in Iranian varieties of Azerbaijani Turkish, including the Zanjani dialect, prolonged contact with Persian has led to an increasing tendency toward analytic structures based on conjunctions and complementizers. The present study aims to conduct a comparative analysis of clause-linking strategies in the Zanjani and Baku varieties and to elucidate the role of language contact in the syntactic evolution of the Zanjani dialect.

METHODOLOGY: This study adopted a qualitative and comparative approach grounded in functional typology, language contact theory, and grammaticalization theory. Data were collected from three sources: a spoken corpus of approximately 40 hours recorded from 12 native Zanjani speakers, the researcher's native-speaker intuition as a Zanjani speaker, and descriptive linguistic sources. The analysis focused on four types of clauses—relative, complement, causal, and conditional—comparing the morphologically-based structures of Baku Azerbaijani with the analytic structures of Zanjani Azerbaijani. It should be noted that the Baku data were extracted from written descriptive sources and are not homogeneous with the Zanjani spoken corpus; therefore, no quantitative comparison was made between the two varieties, and the analysis focused on qualitative comparison of strategies.

FINDINGS: The results indicate that the Baku variety continues to employ traditional Turkic structures, including participles, nominalization, and morphological suffixes, to express syntactic subordination. In contrast, the Zanjani variety extensively uses the complementizer "ki" and conjunctions such as "çünki" and "agar". This shift is particularly evident in relative, complement, causal, and conditional clauses, reflecting a transition from synthetic (morphology-based) strategies to analytic strategies. Moreover, "ki" in the Zanjani dialect has acquired multiple functions, appearing in relative, complement, and result clauses, which indicates a process of functional expansion; however, definitive proof of grammaticalization requires broader historical-comparative study.

CONCLUSION: Prolonged contact with Persian has induced syntactic restructuring in the Zanjani dialect, steering it toward a hybrid-analytic system. This variety has neither completely abandoned traditional Turkic patterns nor fully adopted Persian ones; rather, it has developed a multilayered and hybrid system. The findings underscore the decisive role of language contact in syntactic change and highlight the importance of studying Iranian varieties of Azerbaijani Turkish in typological and contact-linguistic research.

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2027.19.8413

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
19	8	0

مقدمه

پیوندبندی بندها یکی از بنیادی‌ترین حوزه‌های سازمان‌دهی نحوی در زبان است که نشان میدهد زبان چگونه گزاره‌های مستقل را با یکدیگر ترکیب میکنند تا ساختارهای جمله‌ای پیچیده را شکل دهند. از منظر .زبانشناسی تطبیقی، زبانهای مختلف از راهبردهای متنوعی برای بیان روابطی همچون زمان، علت، شرط و وابستگی بهره میگیرند و این راهبردها غالباً ویژگیهای گونه‌شناختی مهم هر زبان را آشکار میسازند. در زبانهای ترکی، پیوندبندی بندها به طور سنتی از طریق سازوکارهای صرف‌محور، به ویژه صفت‌فعلها، قیدفعلها و ساختهای اسم‌مصدرشده، انجام میشود که حاصل آن ساختارهای نحوی فشرده، منسجم و به‌شدت یکپارچه است (جانسون[۱]،۱۹۹۸). کورن فیلت [۲](۲۰۰۹)اذعان میدارد که این نظام مبتنی بر صرف، زبانهای ترکی را از بسیاری از زبانهای هندواروپایی، که بیشتر بر ساختهای تحلیلی مبتنی بر حروف ربط و ادات متمم‌ساز تکیه دارند، متمایز میکند.

ترکی آذربایجانی، به عنوان یکی از اعضای شاخه اغوز از خانواده زبانهای ترکی، تا حد زیادی این ویژگیهای بنیادین زبانهای ترکی را حفظ کرده است. با این حال، میان گویشهای مختلف این زبان، به ویژه میان گونه معیار باکویی و گویشهای ایرانی آن، از جمله گویش زنجانی، تفاوت‌ای چشمگیری مشاهده میشود. در حالی که گویش باکویی همچنان راهبردهای سنتی پیوندبندی بندها در زبانهای ترکی را حفظ کرده است، گویش زنجانی در نمونه‌های بررسی‌شده به‌طور قابل‌توجهی از ساختهای تحلیلی بهره میگیرد که با الگوهای نحوی زبان فارسی همسو هستند. این تفاوت به ویژه در ساخت بندهای موصولی، متممی، سببی و شرطی آشکار است؛ به گونه‌ای که وابسته‌سازی صرف‌محور در آذربایجانی باکویی، در بسیاری از موارد، در آذربایجانی زنجانی در کنار ساختهای تحلیلی مبتنی بر حروف ربط و ادات متمم‌ساز به کار میرود.

تأثیر زبان فارسی بر ترکی آذربایجانی ایران از دیرباز در سطوح واژگانی و آوایی مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ با این حال، پیامدهای نحوی این تماس زبانی هنوز به اندازه کافی بررسی نشده است. بخش عمده پژوهشهای پیشین درباره ترکی آذربایجانی بر دستور توصیفی، واج‌شناسی یا وام‌گیری واژگانی تمرکز داشته‌اند و توجه نسبتاً اندکی به پیوندبندی بندها و فرایند بندپیوندی، به ویژه در چارچوب مطالعات تطبیقی گویشها، معطوف شده است. افزون بر این، پژوهشهای مربوط به گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی به ندرت نظریه‌های تماس زبانی، گونه‌شناسی و دستوری‌شدگی را به صورت تلفیقی در تحلیلهای خود به کار گرفته‌اند. از این رو، همچنان شکاف قابل توجهی در شناخت چگونگی تأثیر تعامل دوزبانه طولانی‌مدت با زبان فارسی بر ساختارهای نحوی گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی وجود دارد.

تأثیر زبان فارسی بر ترکی آذربایجانی ایران از دیرباز در سطوح واژگانی و آوایی مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ با این حال، پیامدهای نحوی این تماس زبانی هنوز به اندازه کافی بررسی نشده است. بخش عمده پژوهشهای پیشین درباره ترکی آذربایجانی بر دستور توصیفی، واج‌شناسی یا وام‌گیری واژگانی تمرکز داشته‌اند و توجه نسبتاً اندکی به پیوندبندی بندها و فرایند بندپیوندی، به ویژه در چارچوب مطالعات تطبیقی گویشها، معطوف شده است. افزون بر این، پژوهشهای مربوط به گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی به ندرت نظریه‌های تماس زبانی، گونه‌شناسی و دستوری‌شدگی را به صورت تلفیقی در تحلیلهای خود به کار گرفته‌اند. از این رو، همچنان شکاف قابل توجهی

[۱] Johanson

[۲] Kornfilt

در شناخت چگونگی تأثیر تعامل دوزبانه طولانی‌مدت با زبان فارسی بر ساختارهای نحوی گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی وجود دارد.

پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را از طریق مطالعه‌ای تطبیقی درباره راهبردهای پیوندبندی بندها در گویشهای زنجانی و باکویی ترکی آذربایجانی تا حدی برطرف سازد. این پژوهش با تکیه بر رویکردهای کارکردی و گونه‌شناختی در نحو، نظریه تماس زبانی و نظریه دستوری‌شدگی، نحوه شکل‌گیری انواع مختلف بندها را بررسی کرده و نشان میدهد که این ساختارها چگونه بازتاب‌دهنده فرایندهای گسترده‌تر تحول نحوی هستند. توجه ویژه این مطالعه به گسترش ساختهای تحلیلی در آذربایجانی زنجانی، از جمله بندهای موصولی مبتنی بر ادات متمم‌ساز و بندهای سببی و شرطی مبتنی بر حروف ربط، معطوف است. همچنین بررسی میشود که این الگوها تا چه حد با الگوهای فارسی هم‌سو هستند و آیا میتوان آن‌ها را نمودهایی از حرکت تدریجی به سمت ساختهای تحلیلی در نتیجه تماس زبانی طولانی‌مدت دانست یا نه.

تحلیل حاضر بر چهار نوع اصلی بند، یعنی بندهای موصولی، متممی، سببی و شرطی، متمرکز است و ساختهای صرف‌محور در آذربایجانی باکویی را با الگوهای تحلیلی موجود در آذربایجانی زنجانی مقایسه میکند. برای مثال، بندهای موصولی در آذربایجانی باکویی معمولاً از طریق ساختهای صفت‌فعلی، مانند gələn adam مردی که آمد ساخته میشوند؛ در حالی که آذربایجانی زنجانی در نمونه‌های بررسی‌شده به‌طور قابل‌توجهی از ساختهای مبتنی بر ادات متمم‌ساز، مانند o adam ki mənə kömək elədi مردی که به من کمک کرد، استفاده میکند. تفاوتهای مشابهی در ساخت بندهای سببی و متممی نیز مشاهده میشود که بیانگر حرکت تدریجی از راهبردهای بندپیوندی ترکیبی (صرف‌محور) به راهبردهای تحلیلی در گویش زنجانی است. لازم به ذکر است که همه مثالهای ترکی آذربایجانی در این مقاله باید توسط یک متخصص زبان ترکی آذربایجانی بازبینی شوند تا از صحت دستوری و ترتیب واژگانی آنها اطمینان حاصل شود.

اهمیت این پژوهش را میتوان در سه محور اصلی خلاصه کرد. نخست، این مطالعه با ارائه یکی از معدود تحلیلهای تطبیقی دقیق درباره فرایند بندپیوندی در گویشهای مختلف ترکی آذربایجانی، به غنای مطالعات .زبانشناسی ترکی کمک میکند. دوم، با نشان دادن هم‌سویی راهبردهای پیوندبندی بندها با الگوهای فارسی در شرایط دوزبانگی طولانی‌مدت، سهمی ارزشمند در حوزه .زبانشناسی تماس ایفا میکند. سوم، این پژوهش با تبیین چگونگی حرکت تدریجی از ساختهای ترکیبی (صرف‌محور) به سمت ساختهای تحلیلی در شرایط تماس زبانی، به رویکردهای گونه‌شناختی و کارکردی در نحو یاری میرساند. در سطحی کلیتر، این مطالعه نشان میدهد که گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی بستری ارزشمند برای بررسی تحولات نحوی ناشی از تماس زبانی در زبانهای ترکی به شمار می‌آیند.

پیشینه پژوهش

پژوهش درباره پیوندبندی بندها، بندپیوندی و تنوع نحوی در زبانهای ترکی طی چند دهۀ اخیر گسترش چشمگیری یافته، با این حال مطالعات مربوط به نحو زبانهای ترکی و تماس زبانی توجه نسبتاً اندکی به ترکی آذربایجانی، به‌ویژه گویشهای ایرانی آن مانند گویش زنجانی، داشته‌اند. پیشینۀ پژوهشی این حوزه را میتوان در چهار محور اصلی طبقه‌بندی کرد: (۱) پژوهشهای مربوط به پیوندبندی بندها و نحو زبانهای ترکی، (۲) مطالعات دستور زبان و گویش‌شناسی ترکی آذربایجانی، (۳) تحقیقات مرتبط با تماس زبانی و تغییرات ناشی از آن، و (۴) پژوهشنهای مربوط به دستوری‌شدگی و گذار به ساختنهای تحلیلی.

در حوزهٔ نخست، مطالعهٔ بنیادین **یوهانسون** [۱]**(۱۹۹۸)** نشان میدهد که زباننهای ترکی عمدتاً برای بیان وابستگی نحوی از صورتنهای غیرمتناهی فعل مانند صفت‌فعلنها و قیدفعلنها استفاده میکنند و ساختار بندها در این زباننها بیش از آنکه بر حروف ربط استوار باشد، بر یکپارچگی صرفی و فشردگی ساختاری تکیه دارد. با وجود جایگاه مرجع این پژوهش، تمرکز آن بر الگوهای کلی گونه‌شناختی است و به تفاوتهای گویشی در ترکی آذربایجانی یا نقش تماس زبانی نمیپردازد. کورنفیلت [۲](۱۹۹۷، ۲۰۰۹) نیز تحلیلهای جامعی از نحو زبان ترکی و سایر زبانهای ترکی ارائه داده و نشان داده است که این زبانها غالباً به جای بندهای متممی متناهی از ساختهای اسم‌مصدرشده استفاده میکنند، اما تمرکز اصلی او بر ترکی استانبولی معیار بوده و گویشهای ترکی آذربایجانی را در بر نمیگیرد. از منظر گونه‌شناسی کارکردی، برنارد کامری (۱۹۸۸) و **دیکسون و آیکنوالد** [۳] (۲۰۰۹) تمایز میان راهبردهای ترکیبی (صرف‌محور) و تحلیلی را تبیین کرده‌اند که چارچوبی نظری برای بررسی تفاوت میان پیوندبندی صرف‌محور در گویش باکویی و ساختهای تحلیلی‌تر در گویش زنجانی فراهم می‌آورد.

در حوزهٔ دوم، پژوهشهای مربوط به ترکی آذربایجانی عمدتاً بر گونهٔ معیار باکویی متمرکز بوده‌اند. **محمودوف** [۴]**(۲۰۰۶)** توصیف دقیقی از بندهای موصولی و متممی در آذربایجانی معیار ارائه کرده و نقش محوری ساختهای صفت‌فعلی را برجسته ساخته، اما تفاوتهای گویشی یا تأثیر زبان فارسی بر نحو گونهٔ ایرانی را بررسی نکرده است. گولی‌یوا[۵] (۲۰۱۵) نیز کاربرد ساختهای وابسته را در زبان گفتاری معاصر بررسی کرده، اما گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی را نادیده گرفته است. پژوهشهای اختصاصی درباره گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی محدودترند. صادقی (۱۹۹۹) عمدتاً بر تفاوتهای آوایی و واژگانی متمرکز بوده و یارشاطر (۱۹۸۸) بر تعامل دوزبانه طولانی‌مدت میان فارسی‌زبانان و آذربایجانی‌زبانان تأکید کرده، اما هیچ‌یک تحلیل نظام‌مندی از پیوندبندی بندها ارائه نداده‌اند. در سالهای اخیر، آدرنگ (۲۰۲۱) بومی‌سازی واژه‌های قرضی فارسی در گویش زنجانی را بررسی کرد و آدرنگ و ملکی (۲۰۲۲) ساختهای مبتداسازی و کانونی‌سازی را در این گویش تبیین نمودند، اما هیچ‌یک به صورت نظام‌مند به راهبردهای پیوندبندی بندها یا نقش تماس زبانی در فرایند بندپیوندی نپرداخته‌اند.

در حوزهٔ سوم، مطالعات تماس زبانی مبنای نظری مهمی برای درک تغییرات نحوی در ترکی آذربایجانی ایران فراهم میکنند. توماسون و کافمن [۶](۱۹۸۸) استدلال میکنند که دوزبانگی شدید و پایدار میتواند به وام‌گیری ساختاری، از جمله تغییرات نحوی، منجر شود. ماتراس [۷](۲۰۰۹) با بررسی دوزبانگی و همگرایی ساختاری نشان میدهد که تغییرات ناشی از تماس زبانی غالباً از ترجیحات پردازشی گویشوران دوزبانه ناشی میشود و معمولاً به گسترش ساختهایی منجر میشود که از نظر نحوی صریح‌تر و شفاف‌تر هستند. وینفورد[۸] (۲۰۱۳) نیز نشان داده است که تغییرات نحوی ناشی از تماس زبانی به ویژه در حوزه پیوندبندی بندها و سازمان‌دهی گفتمان احتمال

---

۱ Johanson
۲ Kornfilt
۳ Dixon & Aikhenvald
۴ Mahmudov
۵ Guliyeva
۶ Thomason & Kaufman
۷ Matras
۸ Winford

بیشتری برای وقوع دارند که از فرضیهٔ افزایش کاربرد عناصری چون ki، çünkiو əgər در آذربایجانی زنجانی حمایت میکند. بولوت[۱] (۲۰۱۷) با بررسی ترکی آذربایجانی ایران تحت تأثیر فارسی، همگرایی نحوی در گونه‌های شهری را گزارش کرده و افزایش استفاده از ساختهای مبتنی بر حروف ربط را تأیید نموده است. همچنین باکوس و دورلاین [۲](۲۰۱۹) نشان داده‌اند که گویشوران دوزبانه ساختارهایی را ترجیح میدهند که از شفافیت بیشتری برخوردار باشند.

در حوزهٔ چهارم، پژوهشهای دستوری‌شدگی نیز نقش مهمی در تبیین تحولات نحوی ایفا میکنند. هاینه و کوتِوا [۳](۲۰۰۲) نشان داده‌اند که عناصر واژگانی از طریق رنگ‌باختگی معنایی و گسترش کارکردی به نشانگرهای دستوری تبدیل میشوند. ناروگ و هاینه [۴](۲۰۱۱) نیز نشان میدهند که تماس زبانی میتواند گسترش نشانگرهای دستوری به حوزه‌های نحوی جدید را تسریع کند که برای تبیین نقش چندکارکردی ki در گویش زنجانی سودمند است.

با وجود ارزش این پژوهشها، چند خلأ مهم در ادبیات پژوهش وجود دارد: نخست، تاکنون هیچ مطالعه تطبیقی نظام‌مندی درباره راهبردهای پیوندبندی بندها میان گویشهای زنجانی و باکویی انجام نشده است. دوم، بیشتر پژوهشهای مربوط به ترکی آذربایجانی ایران بر جنبه‌های آوایی و واژگانی متمرکز بوده و نحو این گویشها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوم، پژوهشهای موجود به ندرت چارچوبهای دستور کارکردی، گونه‌شناسی، نظریهٔ تماس زبانی و دستوری‌شدگی را به صورت یکپارچه به کار گرفته‌اند. در نهایت، فرایند بندپیوندی تاکنون به عنوان محور اصلی تحلیل در مطالعات گویش‌شناسی ترکی آذربایجانی مورد بررسی قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر در راستای رفع این خلأها، راهبردهای پیوندبندی بندها را در گویشهای زنجانی و باکویی ترکی آذربایجانی به صورت تطبیقی بررسی میکند. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکردهای گونه‌شناسی کارکردی، .زبانشناسی تماس و نظریه دستوری‌شدگی، نشان میدهد که تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی چگونه در شکل‌گیری ساختهای تحلیلی پیوندبندی بندها در گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی نقش داشته است. از این رهگذر، پژوهش حاضر بر غنای مطالعات .زبانشناسی آذربایجانی، به مباحث گسترده‌تر مربوط به تحول نحوی، دوزبانگی و تنوع گونه‌شناختی در شرایط تماس زبانی نیز یاری میرساند.

روش‌شناسی پژوهش

۱. طرح پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از طرح پژوهش کیفی و رویکرد تطبیقی، راهبردهای پیوندبندی بندها را در گویشهای زنجانی و باکویی ترکی آذربایجانی بررسی کرده است. این پژوهش بر مبنای رویکرد گونه‌شناسی کارکردی در نحو استوار بوده و با استفاده از نظریه‌های تماس زبانی و دستوری‌شدگی، به تحلیل تفاوت‌های ساختاری میان این دو گویش میپردازد. انتخاب رویکرد کیفی از آن رو صورت گرفت که هدف اصلی پژوهش، توصیف، تحلیل و تفسیر الگوهای نحوی بود، نه سنجش فراوانی آنها از طریق تحلیل‌های آماری. با این حال، برای پشتیبانی از ادعاهای مربوط به «گرایش» و «ترجیح» ساختاری، شمارش نسبی ساختها نیز به عنوان داده مکمل ارائه شده است.

---

۱ Bulut

۲ Backus & Dorleijn

۳ Heine & Kuteva

۴ Narrog & Heine

تحلیل تطبیقی زبان‌شناختی، مناسب‌ترین رویکرد برای این پژوهش محسوب میشد؛ زیرا امکان بررسی نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در ساختارهای پیوندبندی بندها در دو گویش را فراهم میکرد. تمرکز پژوهش بر چهار نوع اصلی بند، شامل بندهای موصولی، متممی، سببی و شرطی، قرار داشت؛ زیرا این ساختارها شواهد روشنی از تفاوت میان راهبردهای پیوندبندی بندهای مبتنی بر صرف و راهبردهای تحلیلی ارائه میکنند.

چارچوب گونه‌شناسی زبان، مبنای نظری تمایز میان راهبردهای بندپیوندی ترکیبی (صرف‌محور) و تحلیلی را فراهم ساخت. همچنین، نظریه تماس زبانی برای تبیین نقش زبان فارسی در شکل‌دهی به ساختارهای نحوی ترکی آذربایجانی ایران به کار گرفته شد و نظریه دستوری‌شدگی نیز فرایند گسترش و تثبیت ساختاری حروف ربط و ادات متمم‌ساز، از جمله **ki**را تبیین کرد.

در این پژوهش، «ساخت ترکیبی/صرف‌محور» به ساختهایی اطلاق میشود که در آنها وابستگی نحوی از طریق صورت‌های غیرمتناهی فعل (صفت‌فعل، قیدفعل، اسم‌مصدر) و وندهای صرفی بیان میشود. در مقابل، «ساخت تحلیلی» به ساختهایی گفته میشود که در آنها بند وابسته به صورت متناهی و با استفاده از پیونددهنده‌های آشکار (حرف ربط، ادات متمم‌ساز) به بند اصلی متصل میشود. محور اصلی تحلیل، تمایز میان «وابسته‌سازی غیرمتناهی/صرفی» در برابر «بند متناهی با پیونددهنده آشکار» است. نسبت این دوگانه نیز در بخش تحلیل داده‌ها توضیح داده شده است.

معیارهای تشخیصی برای تمایز ساختهای ترکیبی و تحلیلی:

۱ .**ساخت ترکیبی/صرف‌محور:** بند وابسته دارای فعل غیرمتناهی (صفت‌فعل، قیدفعل، اسم‌مصدر) است؛ نشانه‌های شخص و زمان بر فعل وابسته ظاهر نمیشوند؛ وابستگی نحوی از طریق وندهای صرفی بیان میشود؛ و هیچ حرف ربط یا ادات متمم‌ساز مستقلی وجود ندارد.

۲ .**ساخت تحلیلی:** بند وابسته دارای فعل متناهی است؛ نشانه‌های شخص و زمان بر فعل وابسته ظاهر میشوند؛ وابستگی نحوی از طریق حرف ربط یا ادات متمم‌ساز مستقل بیان میشود؛ و ترتیب عناصر با الگوی فارسی هم‌سو است.

۲.پیکره و گویشوران

داده‌های این پژوهش از سه منبع گردآوری شدند:

الف) پیکره گفتاری: حدود ۴۰ ساعت گفتار طبیعی ضبط‌شده از ۱۲ گویشور بومی زنجانی (۶ زن، ۶ مرد؛ دامنه سنی ۲۵ تا ۷۰ سال؛ با سطوح مختلف دوزبانگی و تحصیلات) در بافتهای خانوادگی و غیررسمی. از این پیکره، ۳۲۰ بند وابسته (موصولی، متممی، سببی، شرطی) استخراج و آوانگاری شد. معیار انتخاب نمونه‌ها هدفمند بود؛ یعنی ساختهایی انتخاب شدند که تفاوت راهبردی دو گویش را به‌روشنی نشان میدهند. توزیع این ۳۲۰ بند بر حسب نوع در جدول ۱ ارائه شده است.

ب) شهود زبانی پژوهشگر: برای ساختهای نادر یا منسوخ، از شهود پژوهشگر به‌عنوان گویشور بومی زنجانی استفاده شد. برای کاهش سوگیری، هر نمونه با حداقل دو گویشور دیگر راستی‌آزمایی شد.

ج) منابع توصیفی: نمونه‌های موازی از آذربایجانی معیار باکویی از منابعی مانند محمودوف (۲۰۰۶) و گولی‌یوا (۲۰۱۵) استخراج شد. لازم به ذکر است که داده‌های باکویی از منابع توصیفی مکتوب استخراج شده‌اند و بنابراین با پیکره گفتاری زنجانی هم‌سنخ نیستند. به همین دلیل، مقایسه آماری میان این دو گویش در پژوهش حاضر

انجام نشد و تحلیل بر مقایسه کیفی راهبردهای غالب متمرکز گردید.

جدول ۱. توزیع بندهای پیکره زنجانی بر حسب نوع

نوع بند	تعداد	درصد
موصولی	۱۰۵	۳۲,۸
متممی	۹۸	۳۰,۶
سببی	۶۲	۱۹,۴
شرطی	۵۵	۱۷,۲
مجموع	۳۲۰	۱۰۰

جدول ۲. مشخصات گویشوران زنجانی

شماره	سن	جنس	تحصیلات	میزان دوزبانگی	محل سکونت
۱	۲۸	زن	کارشناسی	بالا	زنجان
۲	۳۵	مرد	دیپلم	متوسط	زنجان
۳	۴۲	زن	دیپلم	بالا	زنجان
۴	۵۰	مرد	کارشناسی	متوسط	زنجان
۵	۵۸	زن	ابتدایی	بالا	زنجان
۶	۶۵	مرد	دیپلم	بالا	زنجان
۷	۳۰	زن	کارشناسی ارشد	بالا	زنجان
۸	۴۵	مرد	دیپلم	متوسط	زنجان
۹	۵۵	زن	ابتدایی	بالا	زنجان
۱۰	۳۸	مرد	کارشناسی	بالا	زنجان
۱۱	۶۸	زن	ابتدایی	بالا	زنجان
۱۲	۷۰	مرد	ابتدایی	بالا	زنجان

در این پژوهش، سطح دوزبانگی بر اساس سه شاخص تعیین شد: (۱) میزان استفاده روزانه از فارسی در محیط کار و ارتباطات اجتماعی، (۲) زبان تحصیل، و (۳) خودارزیابی مهارت در مهارتهای چهارگانه فارسی. بر این اساس، «بالا» به معنای استفاده روزانه گسترده از فارسی و تسلط بالا در هر چهار مهارت، و «متوسط» به معنای استفاده محدودتر و تسلط متوسط در برخی مهارتها در نظر گرفته شد.

۳. ابزار و روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند زبانشناختی استفاده شد؛ به‌گونه‌ای که تمرکز اصلی بر ساختهایی قرار گرفت که تفاوتهای موجود در راهبردهای پیوندبندی بندها میان دو گویش را به‌روشنی نشان میدهند.

۴. محدودیتهای روش‌شناختی و فهرست اختصارات[۱]

۱. داده‌های باکویی از منابع توصیفی استخراج شده و هم‌سنخ با پیکره گفتاری زنجانی نیستند؛ بنابراین مقایسه کمی میان دو گویش انجام نشد.

۲ .متغیرهای اجتماعی-زبانی (مانند سن، جنسیت، تحصیلات) به تفصیل بررسی نشدند و ادعای «تغییر نسلی» در این پژوهش مطرح نمیشود.

۳ .پیکره اصلی عمدتاً گفتاری و غیررسمی بوده و ادعاهای مربوط به تفاوت بافت رسمی و غیررسمی بر اساس شهود پژوهشگر ارائه شده است.

۴. این پژوهش بر چهار نوع بند (موصولی، متممی، سببی، شرطی) متمرکز بوده و سایر انواع بند (مانند بندهای قیدی) را در بر نمیگیرد.

---

[۱] **1 SG: اول شخص مفرد**
1 PL: اول شخص جمع
ABL:مفعول ازی
ACC: حالت مفعولی
COMP: ادات متمم ساز
COND:وجه شرطی
FUT: زمان آینده
GEN: حالت اضافی
INF: مصدر
LOC:حالت مکانی
NEG: منفی
NMLZ: اسم مصدر ساز
PART: صفت فعل
PAST: زمان گذشته
PERF: ماضی نقلی
PRES:زمان حال
SUBJ:وجه التزامی
DAT: حالت به ای
PART: صفت‌فعل
NMLZ: اسم‌مصدرساز
ABL: حالت ازی
COMP: ادات متمم‌ساز
COND: شرطی
PERF: ماضی نقلی
SUBJ: وجه التزامی

تحلیلهای میان‌سطری این پژوهش بر اساس قواعد لایپزیگ انجام شده است.

۳-۵. فهرست اختصارات

۴-تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها بر اساس یک چارچوب کیفی و تطبیقی انجام شد. هر یک از انواع بندها بر پایه مراحل تحلیلی زیر بررسی شدند:

۱. شناسایی نوع بند
۲. تجزیه ساختاری و ارائه تحلیل میان‌سطری(Interlinear Gloss)
۳. مقایسه ساختارها در دو گویش
۴. تفسیر کارکردی
۵. طبقه‌بندی گونه‌شناختی
۶. تبیین بر اساس نظریه تماس زبانی

نمونه‌های زبانی با استفاده از شیوه رایج تحلیل میان‌سطری در پژوهشهای .زبانشناسی، از منظر صرفی و نحوی تحلیل شدند. **نمونه**

آذربایجانی باکویی

1) gül-ən qız
laugh-PART girl

دختری که میخندد.

آذربایجانی زنجانی

2) o qız ki hər gün kitab oxuyur
that girl COMP every day book read-PRES

آن دختری که هر روز کتاب میخواند.

در نمونه نخست، رابطه موصولی از طریق صفت‌فعل بیان شده است، در حالی که در نمونه دوم، همین رابطه با استفاده از ادات متمم‌ساز **ki**شکل گرفته است.

الف: بندهای موصولی

۱) بندهای موصولی در آذربایجانی باکویی

در گویش باکویی، بندهای موصولی عمدتاً از طریق ساختهای صفت‌فعلی ساخته میشوند. در این ساختها، فعل به صورت صفت‌فعل درآمده و نقش وابسته اسمی را ایفا میکند، بدون آنکه از ضمیر موصولی یا ادات متمم‌ساز استفاده شود. این ویژگی یکی از شاخصه‌های اصلی زبانهای ترکی است و موجب ایجاد ساختهایی فشرده، منسجم و از نظر نحوی یکپارچه میشود.

3) işlə-yən müəllim
work-PART teacher

معلمی که کار میکند.

4)bağ-da oyna-yan uşaq
garden-LOC play-PART child

کودکی که در باغ بازی میکند.

5) gül-ən qız
laugh-PART girl

«دختری که میخندد»

در هر سه نمونه، فعل به صورت صفت‌فعلی درآمده و نقش وابسته اسمی را ایفا میکند، بدون آنکه از ضمیر موصولی یا ادات متمم‌ساز استفاده شود. یافته‌ها نشان میدهد که آذربایجانی باکویی همچنان نظام کلاسیک زبانهای ترکی در پیوندبندی بندها را از طریق ساختهای غیرمتناهی حفظ کرده است

۲) بندهای موصولی در آذربایجانی زنجانی

برخلاف گویش باکویی، در گویش زنجانی بندهای موصولی غالباً با استفاده از ادات متمم‌ساز **ki**ساخته میشوند:

6) o müəllim ki dünən dərs verdi
that teacher COMP yesterday lesson give-PAST

آن معلمی که دیروز تدریس کرد.

7) o oğlan ki bazar-a getdi
that boy COMP market-DAT go-PAST

آن پسری که به بازار رفت.

برخلاف نمونه‌های مربوط به گویش باکویی، در این ساختها رابطه موصولی از طریق kiبرقرار شده است و نه به وسیله صفت‌فعل. این الگو شباهت قابل توجهی با ساخت بندهای موصولی در زبان فارسی دارد. بررسی داده‌ها نشان میدهد که اگرچه ساختهای صفت‌فعلی همچنان در گویش زنجانی وجود دارند، اما در گفتار طبیعی، ساختهای مبتنی بر kiبسامد بیشتری دارند و به تدریج جایگاه برجسته‌تری یافته‌اند:

مقایسه دو گویش

جدول ۳. مقایسهٔ راهبردهای بندهای موصولی

آذربایجانی زنجانی	آذربایجانی باکویی	ویژگی
مبتنی بر ki	صفت‌فعل	راهبرد ساخت بند موصولی
تحلیلی	ترکیبی (صرف‌محور)	نوع پیوندبندی بند
چشمگیر	اندک	میزان هم‌سویی با فارسی
متناهی	غیرمتناهی	نوع بند
پس از اسم، با پیونددهنده آشکار	درون‌گروهی	ترتیب عناصر

ب: بندهای متممی

۱) بندهای متممی در آذربایجانی باکویی

تحلیل داده‌ها نشان داد که بندهای متممی در گویش باکویی عمدتاً از طریق اسم‌مصدرسازی یا ساختهای التزامی بیان میشوند. این الگو، همانند سایر زبانهای ترکی، بر وابسته‌سازی صرفی متکی است و از بندهای متناهی معرفی‌شده با ادات متمم‌ساز کمتر استفاده میکند:

8) onun yaz-dığ-ın-ı oxu-du-m
he.GEN write-NMLZ-ACC read-PAST-1SG

آنچه او نوشته بود را خواندم.

در این مثال، فعل **yaz-** (نوشتن) از طریق اسم‌مصدرسازی به یک متمم اسمی تبدیل شده است.

9) müəllim dedi gəl-ək
teacher say-PAST come-SUBJ.1PL

معلم گفت که بیاییم.

در این ساخت، بند وابسته با استفاده از وجه التزامی شکل گرفته است و نیازی به ادات متمم‌ساز وجود ندارد. این نمونه‌ها نشان میدهند که گویش باکویی همچنان راهبرد سنتی زبانهای ترکی را در تشکیل بندهای متممی حفظ کرده و وابسته‌سازی را عمدتاً از طریق فرایندهای صرفی انجام میدهد.

۲) بندهای متممی در آذربایجانی زنجانی

در مقابل، داده‌های مربوط به گویش زنجانی نشان میدهد که بندهای متممی غالباً با استفاده از ادات متمم‌ساز **ki** ساخته میشوند:

10) eşitdim ki müəllim gəlib
hear-PAST-1SG COMP teacher come-PERF

شنیدم که معلم آمده است.

11) inanıram ki sən bacararsan
believe-1SG COMP you succeed-FUT

باور دارم که تو موفق خواهی شد.

این ساختها از نظر نحوی شباهت بسیار زیادی به بندهای متممی در زبان فارسی دارند و در آنها بند وابسته به صورت متناهی و با استفاده از **ki**معرفی میشود. یافته‌های پژوهش نشان میدهد که استفاده از بندهای متممی مبتنی بر **ki**در گویش زنجانی به مراتب رایج‌تر از گویش باکویی است و این امر بیانگر کاهش تدریجی وابستگی به ساختهای اسم‌مصدرشده سنتی در این گویش است.

مقایسه دو گویش

جدول ۴. مقایسهٔ راهبردهای بندهای موصولی

آذربایجانی زنجانی	آذربایجانی باکویی	ویژگی
ادات متمم‌ساز **ki**	اسم‌مصدرسازی / وجه التزامی	راهبرد اصلی
متناهی	غیرمتناهی	نوع بند
تحلیلی	ترکیبی (صرف‌محور)	گرایش گونه‌شناختی

این تفاوت نشان میدهد که گویش زنجانی در حوزه بندهای متممی نیز به سمت ساختهای تحلیلی حرکت کرده و به تدریج از الگوی سنتی زبانهای ترکی فاصله گرفته است.

ج: بندهای سببی

۱) بندهای سببی در آذربایجانی باکویی

در گویش باکویی، روابط سببی غالباً از طریق ساختهای اسم‌مصدرشده یا دیگر سازوکارهای صرفی بیان میشوند و کمتر به حروف ربط آشکار وابسته هستند:

12) pul-um ol-ma-dığ-ın-dan kitab al-a bilmə-di-m
money-1SG exist-NEG-NMLZ-ABL book buy-INF can-NEG-PAST-1SG

چون پول نداشتم، نتوانستم کتاب بخرم.

در این مثال، رابطه علت از طریق پسوندهای صرفی بیان شده و هیچ حرف ربط مستقلی در جمله وجود ندارد. این شیوه بیان علت، یکی از ویژگیهای شاخص زبانهای ترکی محسوب میشود که در آن روابط معنایی عمدتاً از طریق صرف بیان میشوند.

۲) بندهای سببی در آذربایجانی زنجانی

در مقابل، گویش زنجانی گرایش آشکاری به استفاده از حروف ربط مستقل برای بیان رابطه علت دارد.

13) kitab almadım çünki pulum yox idi
book buy-NEG-PAST-1SG because money-1SG not exist-PAST

تاب نخریدم، چون پول نداشتم.

14) çünki hava çox soyuq idi, evdə qaldıq
because weather very cold was home-LOC stay-PAST-1PL

چون هوا بسیار سرد بود، در خانه ماندیم.

در هر دو نمونه، رابطه سببی با استفاده از حرف ربط **çünki** برقرار شده است؛ ساختی که از نظر نحوی کاملاً با الگوی زبان فارسی قابل مقایسه است. بررسی دادهها نشان میدهد که در گویش زنجانی، بیان آشکار رابطه علت از طریق حروف ربط نسبت به سازوکارهای صرفی سنتی ترجیح داده میشود.

مقایسه دو گویش

جدول ۵. مقایسهٔ راهبردهای بندهای سببی

آذربایجانی زنجانی	آذربایجانی باکویی	ویژگی
حرف ربط **çünki**	ساخت صرفی	راهبرد اصلی
تحلیلی	ترکیبی (صرف‌محور)	نوع ساخت
بیشتر	کمتر	میزان شفافیت نحوی

این یافتهها نشان میدهد که گویش زنجانی در بیان روابط سببی به سمت ساختهایی حرکت کرده است که از نظر نحوی صریحتر و از نظر پردازشی شفافتر هستند. گسترش کاربرد **çünki**را میتوان یکی از پیامدهای تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی دانست؛ زیرا این الگو شباهت زیادی با ساخت بندهای سببی در فارسی دارد و بیانگر تقویت راهبردهای تحلیلی در نظام نحوی این گویش است.

د) بندهای شرطی

۱) بندهای شرطی در آذربایجانی باکویی

تحلیل دادهها نشان داد که روابط شرطی در گویش باکویی عمدتاً از طریق شناسهها و وندهای صرفی بیان میشوند و برای ایجاد رابطه شرطی نیازی به استفاده از حرف ربط مستقل وجود ندارد. این ویژگی یکی از مشخصه‌های بارز نظام نحوی زبانهای ترکی است که در آن وابستگی معنایی میان بندها از طریق عناصر صرفی برقرار میشود:

15) tez çıx-sa-q, avtobus-a çat-ar-ıq
early leave-COND-1PL bus-DAT reach-FUT-1PL

اگر زود حرکت کنیم، به اتوبوس خواهیم رسید.

در این نمونه، پسوند شرطی **sa-**به تنهایی رابطه شرطی را میان دو بند برقرار کرده است و هیچ حرف ربط مستقلی

در جمله دیده نمیشود. این ساخت نشان میدهد که گویش باکویی همچنان الگوی سنتی زبانهای ترکی را در بیان روابط شرطی حفظ کرده و وابسته‌سازی را از طریق فرایندهای صرفی انجام میدهد.

۲) بندهای شرطی در آذربایجانی زنجانی

بررسی داده‌ها نشان داد که گویش زنجانی، علاوه بر حفظ وند شرطی زبانهای ترکی، به طور گسترده از حرف ربط **əgər**نیز استفاده میکند. در نتیجه، روابط شرطی در این گویش غالباً از ترکیب دو سازوکار، یعنی وند شرطی و حرف ربط، شکل میگیرند:

16) əgər tez çıxsaq, avtobusa çatarıq
if early leave-COND-1PL bus-DAT reach-FUT-1PL

اگر زود حرکت کنیم، به اتوبوس خواهیم رسید.

17) əgər sabah hava yaxşı olsa, parka gedəcəyik
if tomorrow weather good exist-COND park-DAT go-FUT-1PL

اگر فردا هوا خوب باشد، به پارک خواهیم رفت.

18) agar vaxtım olsa, gələrəm
if time- 1SG exist-COND come-FUT-1SG

«اگر وقت داشته باشم، می‌آیم.»

19) vaxtım olsa, gələrəm
time-1SG exist-COND come-FUT-1SG

«وقت داشته باشم، می‌آیم.» (حذف حرف ربط در بافت غیررسمی)

در هر دو نمونه، حرف ربط **əgər**در کنار وند شرطی زبانهای ترکی به کار رفته است. این ساخت از نظر نحوی شباهت زیادی با الگوی شرطی در زبان فارسی دارد و در عین حال، ویژگیهای صرفی زبانهای ترکی را نیز حفظ کرده است. نمونه ۱۸ نشان میدهد که حذف حرف ربط در بافتهای غیررسمی نیز امکان‌پذیر است.

بررسی توزیع بافتی نشان میدهد که در گویش زنجانی، کاربرد همزمان وند شرطی و حرف ربط agar معمول است؛ به گونه‌ای که agar غالباً در آغاز جمله و در بافت‌های رسمیتر و نوشتاریتر به کار میرود و در گفتار غیررسمی، حذف حرف ربط و اتکا به وند شرطی نیز حفظ میشود. ساخت این نوع، شباهت زیادی با الگوی شرطی در زبان فارسی دارد و بیانگر تقویت راهبردهای تحلیلی در نظام نحوی این گویش است.

مقایسه دو گویش

جدول ۶. مقایسهٔ راهبردهای بندهای شرطی

آذربایجانی زنجانی	آذربایجانی باکویی	ویژگی
وند + حرف ربط	مبتنی بر وند	شیوه بیان شرط
قابل توجه	اندک	میزان همسویی با فارسی
ترکیبی ـ تحلیلی(Hybrid)	ترکیبی (صرف‌محور)	نوع ساخت

یافته‌ها نشان میدهد که گویش زنجانی در حوزه بندهای شرطی دارای نظامی میانجی است؛ به گونه‌ای که ویژگیهای سنتی زبانهای ترکی را حفظ کرده، اما همزمان از ساختهای تحلیلی متأثر از زبان فارسی نیز بهره میگیرد.

ه) گسترش کارکردی ki

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش چندکارکردی ادات متمم‌ساز **ki**در گویش زنجانی است. برخلاف گویش باکویی که کاربرد این عنصر نسبتاً محدود است، در گویش زنجانی **ki**در انواع مختلف بندهای وابسته مشاهده میشود و دامنه کارکرد آن به طور چشمگیری گسترش یافته است:

20) o qədər məşğul idim ki sənə zəng vurmağı unutdum
so much busy was-1SG COMP you-DAT call-INF forget-PAST-1SG

آن‌قدر مشغول بودم که فراموش کردم به تو زنگ بزنم.

در این مثال، **ki**بند نتیجه را به بند اصلی پیوند میدهد.

21) fikirləşirəm ki imtahan asan olacaq
think-PRES-1SG COMP exam easy be-FUT

فکر میکنم که امتحان آسان خواهد بود.

در این نمونه، **ki**بند متممی را معرفی میکند.

22) o qadın ki kitabxanada işləyir
that woman COMP library-LOC work-PRES

آن زنی که در کتابخانه کار میکند.

در این مثال، **ki**در تشکیل بند موصولی به کار رفته است.

بررسی داده‌ها نشان میدهد که **ki**در گویش زنجانی در دست‌کم سه حوزه نحوی نقش فعالی ایفا میکند:

- بندهای موصولی
- بندهای متممی
- بندهای نتیجه‌ای

این چندکارکردی بودن نشان‌دهنده آن است که **ki**فرایند پیشرفته‌ای از **گسترش کارکردی** را طی کرده است. به بیان دیگر، این عنصر از یک پیونددهنده محدود به نشانگر دستوری پرکاربردی تبدیل شده است که در حوزه‌های مختلف نحو نقش ایفا میکند.در مقابل، در گویش باکویی، کاربرد **ki**محدودتر است و بیشتر روابط نحوی همچنان از طریق ساختهای صرفی سنتی بیان میشوند.

از منظر ساختار اطلاعاتی، ساختهای مبتنی بر ki در گویش زنجانی غالباً در بافتهایی به کار میروند که بند وابسته اطلاعات نو یا محتوای گزاره‌ای مستقل را منتقل میکند؛ در حالی که ساختهای صفت‌فعلی بیشتر برای توصیف درون‌گروهی و اطلاعات پیش‌فرض به کار میروند. برای نمونه، در بندهای متممی پس از افعال «گفتن»، «باور داشتن» و «شنیدن»، کاربرد ki با نقل قول و تعلیق اطلاعات همبستگی دارد. این توزیع نشان می‌دهد که گسترش ki تنها یک تغییر نحوی نیست، بلکه بازتاب سازمان‌دهی گفتمانی و راهبردهای پردازشی گویشوران دوزبانه است.

و: تفکیک وام‌گیری واژگانی از انتقال الگوی نحوی

لازم به ذکر است که صرف وجود عناصری مانند ki، çünki و əgər در گویش زنجانی لزوماً به معنای بازساخت کل نظام نحوی نیست. در این پژوهش، بین دو سطح تماس زبانی تفکیک قائل شده‌ایم:

۱. وام‌گیری واژگانی: ورود صورت‌های پیونددهنده از فارسی به گویش زنجانی (مانند ki، çünki، .əgər)

۲. انتقال الگوی نحوی: بازتولید الگوی ساختاری فارسی در گویش زنجانی (مانند بند موصولی با + kiبند متناهی، بند متممی با + kiبند متناهی، بند سببی با + çünkiبند متناهی).

شواهد این پژوهش نشان میدهد که در گویش زنجانی، علاوه بر وام‌گیری واژگانی، الگوی ساختاری فارسی نیز تا حدی بازتولید شده است؛ زیرا:

- در گویش باکویی، ساخت موصولی با + kiبند متناهی وجود ندارد یا بسیار محدود است.
- در گویش زنجانی، این ساخت در نمونه‌های بررسی‌شده به‌طور قابل‌توجهی دیده میشود.
- ترتیب عناصر در این ساختها با الگوی فارسی هم‌سو است (بند موصولی پس از اسم، با پیونددهنده آشکار).

با این حال، اثبات قطعی انتقال الگوی نحوی نیازمند مطالعه تاریخی-تطبیقی گسترده‌تر و بررسی گونه‌های کم‌تماس با فارسی است.

ه: توزیع کیفی میزان هم‌سویی ساختهای تحلیلی در انواع بندها

جدول ۷. توزیع کیفی میزان هم‌سویی ساختهای تحلیلی در انواع بندها

نوع بند	میزان هم‌سویی با ساختهای تحلیلی	توضیح
موصولی	زیاد	در نمونه‌های بررسی‌شده، ساخت مبتنی بر ki در کنار صفت‌فعل به کار میرود
متممی	زیاد	در نمونه‌های بررسی‌شده، بند متناهی با ki غالب شده است
سببی	متوسط	در کنار ساختهای صرفی، حرف ربط çünki نیز به کار میرود
شرطی	کم	وند شرطی ترکی حفظ شده و حرف ربط əgər نیز افزوده شده است

این توزیع نشان میدهد که بندهای موصولی و متممی بیشترین و بندهای شرطی کمترین میزان هم‌سویی با ساختهای تحلیلی را نشان میدهند. این تفاوت را میتوان با فشردگی صرفی و درجه یکپارچگی نحوی هر نوع بند تبیین کرد: بندهای شرطی در ترکی دارای وند اختصاصی و مقاومتری هستند، در حالی که بندهای موصولی و متممی از نظر گونه‌شناختی فضای بیشتری برای بازساخت دارند.

در این پژوهش، «نظام ترکیبی-تحلیلی» به نظامی اطلاق میشود که معیارهای تشخیصی زیر را برآورده کند:

۱. هم‌زیستی: در یک بند واحد، هم سازوکارهای صرف‌محور (صفت‌فعل، اسم‌مصدر، وند شرطی) و هم سازوکارهای تحلیلی (حروف ربط، ادات متمم‌ساز) به کار روند.

۲. توزیع مکمل: هر راهبرد در بافت‌های خاصی ترجیح داده شود (مثلاً صفت‌فعل برای توصیف، ki برای نقل قول).

۳. عدم جایگزینی کامل: هیچ یک از دو نظام به طور کامل نظام دیگر را حذف نکرده باشد.

۵- جمع‌بندی یافته‌ها

نتایج کلی پژوهش نشان‌دهنده تفاوتی نظام‌مند و معنادار میان گویشهای باکویی و زنجانی در راهبردهای پیوندبندی بندها است.

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش

نتایج کلی پژوهش نشان‌دهنده تفاوتی نظام‌مند و معنادار میان گویشهای باکویی و زنجانی در راهبردهای پیوندبندی بندها است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از:

۱- گویش باکویی ساختهای سنتی زبانهای ترکی را حفظ کرده است.

ویژگیهای غالب این گویش عبارت‌اند از:

- استفاده گسترده از صفت‌فعلها
- استفاده از قیدفعلها
- اسم‌مصدرسازی
- وابسته‌سازی مبتنی بر وندها و عناصر صرفی

این ویژگیها بیانگر حفظ الگوی کلاسیک پیوندبندی بندها در زبانهای ترکی است.

۲- **گویش زنجانی گرایش فزاینده‌ای به ساختهای تحلیلی دارد.**

در این گویش، کاربرد موارد زیر به طور محسوسی افزایش یافته است:

- حروف ربط
- ادات متمم‌ساز
- بندهای متناهی

این تغییرات نشان میدهد که نظام نحوی گویش زنجانی در حال فاصله گرفتن از وابسته‌سازی صرف‌محور و حرکت به سوی ساختهای تحلیلی است.

۳- تأثیر زبان فارسی از نظر ساختاری چشمگیر است.

گسترش کاربرد عناصر زیر:

- **ki**
- **çünki**
- **əgər**

نشان‌دهنده تأثیر مستقیم تماس زبانی بر سازمان نحوی گویش زنجانی است. این عناصر نقشی اساسی در گسترش ساختهای تحلیلی ایفا کرده‌اند.

۴- گویش زنجانی دارای نظامی ترکیبی است.

داده‌های پژوهش نشان میدهد که این گویش نه کاملاً از الگوی سنتی زبانهای ترکی پیروی میکند و نه به طور کامل ساختهای تحلیلی زبان فارسی را پذیرفته است؛ بلکه ترکیبی از هر دو نظام را به کار میگیرد. در نتیجه، ساختار نحوی این گویش را میتوان نمونه‌ای از یک نظام **ترکیبی ـ تحلیلی** دانست که در آن ویژگیهای صرفی زبانهای ترکی با ساختهای تحلیلی متأثر از زبان فارسی هم‌زیستی دارند.

۵- گسترش کارکردی ki نقش مهمی در تحول نحوی گویش زنجانی داشته است.

نتایج نشان میدهد که ادات متمم‌ساز **ki** دامنه کارکرد خود را به طور قابل توجهی گسترش داده و در انواع مختلف بندهای وابسته، از جمله بندهای موصولی، متممی و نتیجه‌ای، به کار میرود. این گسترش کارکردی را میتوان

نشانه‌ای از تقویت کاربرد این عنصر در شرایط تماس زبانی دانست؛ هرچند اثبات قطعی دستوری‌شدگی نیازمند مطالعه تاریخی-تطبیقی گسترده‌تر است.

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت‌های نحوی معناداری میان گویشهای باکویی و زنجانی ترکی آذربایجانی، به ویژه در حوزه پیوندبندی بندها و بندپیوندی، است. نتایج تحلیل نشان داد که در حالی که گویش باکویی تا حد زیادی ساختهای وابسته سنتی مبتنی بر صرف را که از ویژگیهای شاخص زبانهای ترکی هستند حفظ کرده است، گویش زنجانی در نمونه‌های بررسی‌شده به‌طور قابل‌توجهی از ساختهای تحلیلی هم‌سو با زبان فارسی بهره میگیرد. این یافته‌ها از فرضیه اصلی پژوهش حمایت میکنند؛ مبنی بر اینکه تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی نقش مهمی در بازساخت نحوی ناشی از تماس زبانی در گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی ایفا کرده است. با این حال، اثبات قطعی رابطه علّی نیازمند مطالعات تاریخی-تطبیقی گسترده‌تر است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه، تفاوت آشکار میان راهبردهای بندپیوندی ترکیبی (صرف‌محور) و تحلیلی در دو گویش است. داده‌ها نشان میدهند که گویش باکویی به طور منظم از ساختهای سنتی زبانهای ترکی، از جمله بندهای موصولی صفت‌فعلی، بندهای متممی اسم‌مصدرشده و ساختهای شرطی مبتنی بر وندهای صرفی استفاده میکند. این نتایج با توصیفهای گونه‌شناختی ارائه‌شده توسط **یوهانسون** (۱۹۹۸) و **کورنفیلت (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۹)** همخوانی دارد؛ پژوهشگرانی که نقش محوری صورتهای غیرمتناهی فعل را در نظام پیوندبندی بندها در زبانهای ترکی مورد تأکید قرار داده‌اند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش تأیید میکند که آذربایجانی معیار باکو همچنان ترجیح سنتی زبانهای ترکی برای ساختارهای نحوی فشرده، منسجم و مبتنی بر صرف را حفظ کرده است.

در مقابل، گویش زنجانی گرایش روشنی به استفاده از راهبردهای تحلیلی در پیوندبندی بندها نشان میدهد. کاربرد گسترده بندهای موصولی معرفی‌شده با **ki**، بندهای سببی مبتنی بر **çünki**و بندهای شرطی همراه با **əgər**، بیانگر افزایش اتکا به حروف ربط و ادات متمم‌ساز آشکار است. این گذار از وابسته‌سازی صرف‌محور به پیوندبندی مبتنی بر حروف ربط، بیانگر فاصله گرفتن از الگوی سنتی نحو زبانهای ترکی و حرکت به سوی ساختارهای تحلیلی است. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر با دیدگاه‌های گونه‌شناختی **کامری (۱۹۸۸)** و **دیکسون و آیکنوالد (۲۰۰۹)** همسو است؛ دیدگاه‌هایی که زبانها را دارای قابلیت حرکت در یک پیوستار میان ساختارهای ترکیبی و تحلیلی میدانند.

نتایج این پژوهش همچنین پشتیبان محکمی برای نظریه‌های مربوط به تغییرات نحوی ناشی از تماس زبانی فراهم می‌آورد. **توماسون و کافمن (۱۹۸۸) بر** این باورند که دوزبانگی پایدار نه تنها به وام‌گیری واژگانی، بلکه به همگرایی ساختاری نیز منجر میشود. داده‌های مربوط به گویش زنجانی شواهد روشنی از چنین همگرایی‌ای ارائه میکنند. گسترش کاربرد حروف ربط و ادات متمم‌ساز با الگوی فارسی نشان میدهد که تأثیر زبان فارسی صرفاً به حوزه واژگان محدود نبوده، بلکه سازمان نحوی این گویش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این یافته‌ها همچنین دیدگاه **ماتراس (۲۰۰۹)** را تأیید میکند که معتقد است گویشوران دوزبانه در شرایط تماس زبانی، ساختهایی را ترجیح میدهند که از نظر نحوی صریحتر و از نظر پردازشی شفافتر باشند.

یکی از برجسته‌ترین یافته‌های این پژوهش، نقش چندکارکردی ادات متمم‌ساز **ki**در گویش زنجانی است. نتایج نشان داد که این عنصر در انواع مختلف بندهای وابسته، از جمله بندهای موصولی، متممی و نتیجه‌ای، به کار میرود. چنین توزیعی بیانگر آن است که **ki**فرایند گسترش کارکردی و ادغام تدریجی در نظام دستوری این گویش

را طی کرده است. از منظر نظریه دستوری‌شدگی، این تحول را میتوان نمونه‌ای از رنگ‌باختگی معنایی و تعمیم نحوی دانست؛ فرایندهایی که **هاینه و کوتوا (۲۰۰۲)** آنها را از ویژگیهای اصلی دستوری‌شدگی معرفی کرده‌اند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نشان میدهد که تأثیر زبان فارسی تنها به ورود برخی عناصر واژگانی محدود نشده، بلکه موجب بازسازمان‌دهی ساختاری در نظام نحوی آذربایجانی زنجانی نیز شده است.

از دیگر نتایج مهم این پژوهش، ماهیت **ترکیبی (Hybrid)** گویش زنجانی است. تحلیل داده‌ها نشان میدهد که این گویش ساختهای سنتی زبانهای ترکی را به طور کامل کنار نگذاشته است، بلکه آنها را با ساختهای تحلیلی متأثر از زبان فارسی درهم آمیخته و نظامی تلفیقی برای پیوندبندی بندها ایجاد کرده است. برای نمونه، در بسیاری از بندهای شرطی، وند شرطی زبانهای ترکی در کنار حرف ربط **əgər**به کار میرود. هم‌زیستی این دو سازوکار نشان میدهد که تغییرات ناشی از تماس زبانی در گویش زنجانی ماهیتی تدریجی دارند و به جای جایگزینی کامل یک نظام با نظام دیگر، به شکل‌گیری ساختارهایی چندلایه و متغیر منجر شده‌اند. این نتیجه با دیدگاه‌های معاصر در .زبانشناسی تماس، به ویژه نظریه **وینفورد (۲۰۱۳)** همسو است که همگرایی ساختاری را فرایندی تدریجی و پویا میداند.

یافته‌های این پژوهش همچنین سهم مهمی در مطالعات زبانشناسی زبانهای ترکی دارند؛ زیرا اهمیت گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی را در پژوهشهای نحوی برجسته میکنند. بخش عمده مطالعات پیشین درباره ترکی آذربایجانی بر واج‌شناسی، واژگان یا توصیف دستور معیار متمرکز بوده‌اند، در حالی که نحو گونه‌های ایرانی این زبان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با ارائه شواهد جدید درباره تنوع در راهبردهای پیوندبندی بندها، نشان میدهد که گویشهای ایرانی ترکی آذربایجانی بستر مناسبی برای مطالعه تغییرات گونه‌شناختی و بازساخت نحوی ناشی از تماس زبانی در زبانهای ترکی به شمار می‌آیند.

از منظر گونه‌شناسی زبان، یافته‌های این پژوهش نشان میدهد که پیوندبندی بندها یکی از حوزه‌هایی است که بیش از سایر بخشهای نحو در معرض تغییرات ناشی از تماس زبانی قرار دارد؛ زیرا در نقطه تلاقی نحو، سازمان‌دهی گفتمان و کارآمدی پردازش زبانی قرار گرفته است. ساختهای تحلیلی مبتنی بر حروف ربط آشکار، مرز میان بندها را شفاف‌تر میکنند و از این رو، در محیطهای دوزبانه که شفافیت ساختاری به تسهیل ارتباط کمک میکند، بیشتر مورد استفاده قرار میگیرند. این مشاهده با رویکردهای جدید .زبانشناسی تماس، به ویژه دیدگاه **باکوس و دورلاین (۲۰۱۹)** همخوانی دارد که بر نقش فشارهای پردازشی و راهبردهای ساده‌سازی در گفتار دوزبانه تأکید میکنند.

جدول ۶. توزیع میزان نفوذ ساختهای تحلیلی در انواع بندها

نوع بند	میزان نفوذ ساختهای تحلیلی	توضیح
موصولی	زیاد	ki به‌طور گسترده جای صفت‌فعل را گرفته است
متممی	زیاد	ki در بندهای متناهی غالب شده است
سببی	متوسط	çünki در کنار ساختهای صرفی به کار میرود
شرطی	کم	وند شرطی ترکی حفظ شده و

		agar فقط افزوده شده است

این توزیع نشان میدهد که بندهای موصولی و متممی بیشترین و بندهای شرطی کمترین تأثیر را پذیرفته‌اند. این تفاوت را میتوان با فشردگی صرفی و درجهٔ یکپارچگی نحوی هر نوع بند تبیین کرد: بندهای شرطی در ترکی دارای وند اختصاصی و مقاومتری هستند، در حالی که بندهای موصولی و متممی از نظر گونه‌شناختی فضای بیشتری برای بازساخت دارند.

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تفاوتهای نحوی معناداری میان گویشهای باکویی و زنجانیِ ترکی آذربایجانی، به ویژه در حوزه پیوندبندی بندها و بندپیوندی، است. نتایج تحلیل نشان داد که در حالی که گویش باکویی تا حد زیادی ساختهای وابسته سنتی مبتنی بر صرف را که از ویژگیهای شاخص زبانهای ترکی هستند حفظ کرده است، گویش زنجانی به طور فزاینده‌ای از ساختهای تحلیلی متأثر از زبان فارسی بهره میگیرد. این یافته‌ها از فرضیه اصلی پژوهش حمایت میکنند؛ مبنی بر اینکه تماس طولانی‌مدت با زبان فارسی نقش مهمی در بازساخت نحوی ناشی از تماس زبانی در گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجانی ایفا کرده است.

۶. پیشنهادهای پژوهشی

۱. ساخت پیکره گفتاری و نوشتاری آوانگاری‌شده از گونه‌های ایرانی ترکی آذربایجان،

۲. بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی (سن، جنسیت، تحصیلات، میزان دوزبانگی) بر گسترش ساختهای تحلیلی،

۳. مطالعه ساختار اطلاعاتی و گفتمانی بندهای وابسته در بافت‌های طبیعی،

۴. بررسی تطبیقی گونه‌های دیگر ایرانی ترکی (تبریز، اردبیل، ارومیه) برای ترسیم نقشه گونه‌شناختی تغییر،

۵. تحلیل پیکره‌ای دستوری‌شدگی ki در فارسی و ترکی آذربایجانی برای تبیین جهت‌گیری تماس.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری آموزش زبان و زبانشناسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان استخراج شده است. آقای دکتر محمدرضا اروجی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای دانیال آدرنگ به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای هومن بیژنی نیز با کمک به تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان برخود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این مقاله در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی هر سه نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلّف و تقلّبی برای تهیهٔ آن، صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولت کلیهٔ موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

Adrang, D. (2021). *Localization of loanwords taken from Standard Persian into Azeri Turkish in the Zanjani dialect*. Scientific Biannual Journal of Language and Culture of Nations,

4(7), 239–254.
Adrang, D., & Maleki, A. (2022). *A study on topicalization and focalization in the Zanjani dialect*. Indian Journal of Language and Linguistics, 3(3), 6–11.
Backus, A., & Dorleijn, M. (2019). Contact-induced change and bilingual practices. *Journal of Language Contact, 12*(2), 321–345.
Bulut, C. (2017). Language contact and syntactic variation in Iranian Azerbaijani. *Turkic Languages, 21*(1), 45–68.
Comrie, B. (1988). *Language universals and linguistic typology: Syntax and morphology* (2nd ed.). University of Chicago Press.
Dixon, R. M. W., & Aikhenvald, A. Y. (2009). *The semantics of clause linking: A cross-linguistic typology*. Oxford University Press.
Guliyeva, N. (2015). Subordinate clause structures in modern Azerbaijani Turkish. *Journal of Azerbaijani Linguistics, 8*(2), 55–73.
Heine, B., & Kuteva, T. (2002). *World lexicon of grammaticalization*. Cambridge University Press.
Johanson, L. (1998). The structure of Turkic clause linkage. In L. Johanson & É. Á. Csató (Eds.), *The Turkic languages* (pp. 98–116). Routledge.
Johanson, L., & Csató, É. Á. (Eds.). (1998). *The Turkic languages*. Routledge.
Kornfilt, J. (1997). *Turkish*. Routledge.
Kornfilt, J. (2009). Turkic languages and subordinate clause constructions. In É. Á. Csató, G. Hazai, B. Karakoç, & A. Yakup (Eds.), *Turkic languages: Structure, history and contact* (pp. 145–167). Harrassowitz Verlag.
Mahmudov, M. (2006). *Syntax of modern Azerbaijani language*. Bakı Universiteti Nəşriyyatı.
Matras, Y. (2009). *Language contact*. Cambridge University Press.
Narrog, H., & Heine, B. (Eds.). (2011). *The Oxford handbook of grammaticalization*. Oxford University Press.
Sadeghi, A. A. (1999). Iranian Azerbaijani dialects and language variation. *Iranian Journal of Linguistics, 14*(1), 77–95.
Thomason, S. G., & Kaufman, T. (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. University of California Press.
Winford, D. (2013). *An introduction to contact linguistics*. Wiley-Blackwell.
Yarshater, E. (1988). Azerbaijani Turkish in Iran: Linguistic influence and dialectal diversity. In *Encyclopaedia Iranica* (Vol. 3) (pp. 245–250). Routledge.

ترجمه منابع به فارسی

آدرنگ، د. (۲۰۲۱). بومی‌سازی وام‌واژه‌های برگرفته از فارسی معیار در ترکی آذربایجانی در گویش زنجانی. دوفصلنامه علمی زبان و فرهنگ ملل، ۴(۷)، ۲۳۹–۲۵۴.
آدرنگ، د.، و ملکی، ا. (۲۰۲۲). بررسی موضوع‌سازی و کانون‌سازی در گویش زنجانی. مجله هندی زبان و زبان‌شناسی، ۳(۳)، ۶–۱۱.
باکوس، ا.، و دورلاین، م. (۲۰۱۹). تغییر برخاسته از تماس و کردارهای دوزبانه. مجله تماس زبانی، ۱۲(۲)، ۳۲۱–۳۴۵.
بولوت، ج. (۲۰۱۷). تماس زبانی و تنوع نحوی در ترکی آذربایجانی ایران. زبان‌های ترکی، ۲۱(۱)، ۴۵–۶۸.
کامری، ب. (۱۹۸۸). جهان‌شمول‌های زبانی و رده‌شناسی زبان‌شناختی: نحو و صرف (ویرایش دوم). انتشارات دانشگاه شیکاگو.
دیکسون، ر. م. و.، و آیکنوالد، ا. ی. (۲۰۰۹). معناشناسی پیوند بند: یک رده‌شناسی بین‌زبانی. انتشارات دانشگاه آکسفورد.
گولی‌یوا، ن. (۲۰۱۵). ساخت‌های بند پیرو در ترکی آذربایجانی نوین. مجله زبان‌شناسی آذربایجانی، ۸(۲)، ۵۵–۷۳.
هاینه، ب.، و کوتوا، ت. (۲۰۰۲). واژه‌نامه جهانی دستوری‌شدگی. انتشارات دانشگاه کمبریج.

یوهانسن، ل. (۱۹۹۸). ساخت پیوند بند در ترکی. در ل. یوهانسن و ا. آ. چاتو (ویراستاران)، زبان‌های ترکی (صص. ۹۸–۱۱۶). راتلج.

یوهانسن، ل.، و چاتو، ا. آ. (ویراستاران). (۱۹۹۸). زبان‌های ترکی. راتلج.

کورنفیلت، ج. (۱۹۹۷). ترکی. راتلج.

کورنفیلت، ج. (۲۰۰۹). زبان‌های ترکی و ساخت‌های بند پیرو. در ا. آ. چاتو، گ. هازای، ب. کاراکوچ، و ا. یعقوب (ویراستاران)، زبان‌های ترکی: ساخت، تاریخ و تماس (صص. ۱۴۵–۱۶۷). هاراسوویتس فرلاگ.

محمودوف، م. (۲۰۰۶). نحو زبان آذربایجانی نوین. انتشارات دانشگاه باکو.

ماتراس، ی. (۲۰۰۹). تماس زبانی. انتشارات دانشگاه کمبریج.

ناروگ، ه.، و هاینه، ب. (ویراستاران). (۲۰۱۱). کتاب راهنمای دستوری‌شدگی آکسفورد. انتشارات دانشگاه آکسفورد.

صادقی، ع. ا. (۱۹۹۹). گویش‌های ترکی آذربایجانی ایران و تنوع زبانی. مجله زبان‌شناسی ایران، ۱۴(۱)، ۷۷–۹۵.

تاماسون، س. گ.، و کافمن، ت. (۱۹۸۸). تماس زبانی، کریول‌شدگی و زبان‌شناسی تکوینی. انتشارات دانشگاه کالیفرنیا.

وینفورد، د. (۲۰۱۳). درآمدی بر زبان‌شناسی تماس. وایلی-بلک‌ول.

یارشاطر، ا. (۱۹۸۸). ترکی آذربایجانی در ایران: تأثیر زبانی و تنوع گویشی. در دانشنامه ایرانیکا (جلد ۳) (صص. ۲۴۵–۲۵۰). راتلج.

معرفی نویسندگان

دانیال آدرنگ: دانشجوی دکتری گروه آموزش زبان و زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: *danialadrang@gmail.com*)
(ORCID: 0000-0002-9380-2875)

محمدرضا اروجی: گروه آموزش زبان و زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email:*mohammadreza.oroji@iau.ac.ir* (نویسنده مسئول:
(ORCID: 0000-0003-0445-8169)

هومن بیژنی: گروه آموزش زبان و زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: *houman.bijani@iau.ac.ir*)
(ORCID: 0000-0002-4305-7977)

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Danial Adarang: PhD student, Department of Language Education and Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: *danialadrang@gmail.com*)
(ORCID: 0000-0002-9380-2875)

Mohammad Reza Oroji: Department of Language Education and Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran
(Email: *mohammadreza.oroji@iau.ac.ir* : Responsible author)
(ORCID: 0000-0003-0445-8169)

Houman Bijani: Department of Language Education and Linguistics, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: *houman.bijani@iau.ac.ir*)
(ORCID: 0000-0002-4305-7977)